

در چوبی کاروانسرا شبانه در آتش سوخت

■ موضوع: کاروانسراهای سنگلج
■ ویژگی: معماری خاص و تردد مسافران

همسایگی با محله بازار تهران باعث شده بود سنگلج محل تردد مسافران بی‌شماری باشد؛ چه آنهایی که برای دادوستد به تهران می‌آمدند و چه آنها که برای استراحت، شب ماندگار می‌شدند و کاروانسرا را برای اتراق انتخاب می‌کردند.

سنگلج کاروانسرا کم‌نداشت؛ به‌خصوص در محدوده دروازه محمدیه چندین کاروانسرا وجود داشت. این کاروانسراها مشهورترین کاروانسراهای سنگلج بودند؛ کاروانسرای حاج میرزا حسن در نزدیکی دروازه محمدیه و کاروانسرای میرزا موسای وزیر که در مرز محله بازار و شمال دروازه محمدیه ساخته شده بود. البته در نزدیکی دروازه گمرک هم کاروانسرای بود که به محله سنگلج منتهی می‌شد. از آنجا که کاروانسراها محل اتراق مسافران و چهارپایان بود و مسافران آنجا ساکن می‌شدند بیشتر در اطراف محله‌ها و در نزدیکی دروازه‌های شهر ساخته می‌شدند.

اردشیر آل عوض، محقق فرهنگ عامه درباره کاروانسراهای این محله می‌گوید: «از کاروانسراهای سنگلج چیزی باقی نمانده است، اما کاروانسرای در سنگلج در محدوده بازارچه شاپور قرار داشت که قبلاً صنف سماور سازها آنجا فعال بودند و در حال حاضر صنف کفاش‌ها آنجا مشغولند. سمت بازارچه قوام‌الدوله، نرسیده به باغ معیر نیز کاروانسرای بود که آنجا هنوز هم صنف کفاش‌ها کسب و کار می‌کنند؛ البته اکنون دیگر به شکل آن کاروانسرای که قبلاً بود، نیست.

در نزدیکی گذر قلی هم کاروانسرای وجود داشت که مالکش به دلیل اینکه ملکش ثبت ملی نشود و بتواند تخریبش کند، شبانه در چوبی‌اش را آتش می‌زند و دور تا دور حجره‌هایش را سیمان می‌کشد. الان آنجا

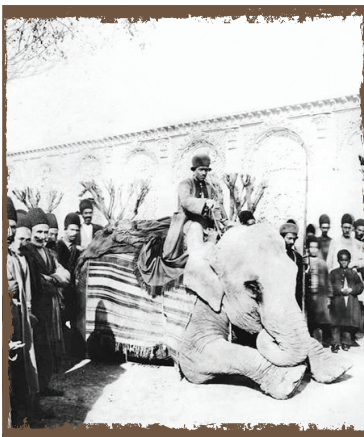


در آهنی نصب و به خانه مهاجران و اتباع میل شده است. متأسفانه تلاش‌های ما هم برای احیای دوباره بنای آن نتیجه نداده و مالک حاضر به همکاری نیست. در چوبی و فضای کاروانسرا بسیار قدیمی و جالب بود.»

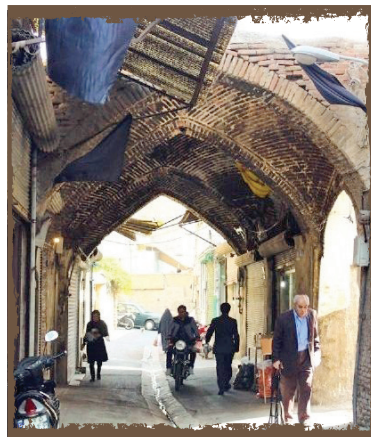
آل عوض، تهران‌پژوه درباره اهمیت کاروانسراها در

محله‌های قدیمی مثل سنگلج می‌گوید: «این بناها علاوه بر آنکه برای استراحت کاروان‌ها و مسافران در بین راه و مبادله کالا درون شهر ایجاد می‌شدند، از نظر معماری نیز بسیار بارز و زیاده‌اند؛ برای نمونه اگر بخواهم یکی از خلاقیت‌های معماری در این بناهای بزرگ درون شهری را مثال بزنم، باید از دروازه‌های کاروانسرا بگویم.

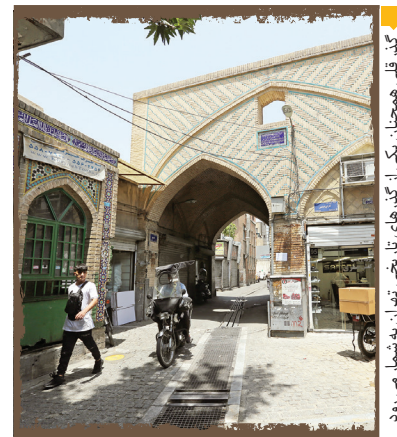
کاروانسراها ورودی‌های باریک‌تر و خروجی‌های بزرگ‌تری داشتند. این موضوع دلیل داشت؛ برای اینکه چهارپایان اغلب بار زیادی داشتند و از این رو در زمان ورود آرام‌تر حرکت می‌کردند، ولی در زمان خروج از کاروانسرا باری نداشتند پس ممکن بود حیوان تندتر حرکت کند و گاهی به‌خاطر ازدحام جمعیت به‌قول معروف رم کند؛ در نتیجه خروجی کاروانسراها را عریض‌تر می‌ساختند تا فضا بازتر و تردد راحت‌تر باشد.»



گذر فیلیخانه



گذر گلوبندک



گذر قلی همچنان یکی از گذرهای تاریخی تهران به‌شمار می‌رود

وقتی چیزی در گلو گیر می‌کرد مردم به چال حصار می‌رفتند

■ موضوع: گذرهای تاریخی
■ ویژگی: معابری که هویت آنها با ماجراهای عجیب تهران قدیم گره خورده است

میان محله‌های قدیمی تهران، سنگلج به واسطه نزدیکی به بازار بزرگ تهران بیشترین گذرها را داشته که تاریخچه هر کدام از آنها با ماجراهای خواندنی عجیب است. در خونگاه یکی از نخستین گذرهایی به‌شمار می‌رود که در سنگلج قدیم شکل گرفته است. نصرالله حدادی درباره تاریخچه گذر در خونگاه می‌گوید: «در به‌معنای دشت و خوان به‌معنای آب زیرزمینی است. گذر در خونگاه یا به‌عبارت صحیح‌تر در خونگاه به‌معنای دشتی با آب زیرزمینی بوده است. گذر در خونگاه در خیابان ۱۵ خرداد غربی و کوچه اکبرنژاد امروزی بوده است. این گذر به مرور زمان تخریب شده و تنها بخش کوچکی از آن باقی مانده است.» گلوبندک یکی از مهم‌ترین گذرهای

بود. نقل است که جهیزیه دختر ناصرالدین شاه و همسر معیرالممالک را با فیل، اسب و شتر حمل کردند. فیل‌ها جزو هدایایی بوده که هند به دربار ناصرالدین شاه پیشکش کرده بود و امکان نگهداری آنها در کاخ شاه نبوده؛ بنا بر این فیل‌ها را به ابتدای بازارچه قوام‌الدوله و کوچه شهید یوسفی امروزی انتقال دادند و با گذشت زمان این بخش از بازارچه به گذر فیلیخانه معروف شد. گذرهای مسقف تهران قدیم حکم سایه‌بان را هم داشته‌اند و زیر سقف آنها بازارچه ایجاد می‌کردند تا مشاغل مختلف شکل بگیرد. گذر قلی که سال‌هاست بین بازارچه معیر، گذر مستوفی و پاچنار محصور شده چنین ویژگی منحصر به فردی داشته و بیش از یک قرن قدمت دارد. به‌گفته نارنجی‌نژاد به‌دلیل اینکه میرزا عباسقلی خان بازارگان، پدر مهندس مهدی بازارگان در همین محدوده زندگی می‌کرد، نام میرزا عباسقلی خان بازارگان را روی این گذر گذاشتند و به گذر قلی معروف شد.»

تهران قدیم به‌شمار می‌رود که میان محله‌های بازار و سنگلج واقع شده بود که امروز به چهارراه تغییر ماهیت داده است. حدادی درباره وجه‌تسمیه گذر گلوبندک می‌گوید: «محدوده گذر گلوبندک در تهران قدیم، پاتوق پزشکان سنتی بوده که مردم را از خفگی نجات می‌دادند. حسن اعظام‌الوزاره قدسی در کتاب «تاریخ صد ساله ایران» نوشته وقتی مردم چیزی می‌خوردند که در گلویشان گیر می‌کرد به حوالی چال حصار می‌رفتند تا توسط افرادی که تبحر خاصی در باز کردن راه گلو بیمارانشان داشتند نجات پیدا کنند؛ به همین دلیل نام گلوبندک را برای این گذر انتخاب کردند.»

درباره تاریخچه گذر فیلیخانه هم روایت‌های مختلفی نقل شده که معتبرترین آنها به دوره ناصری تعلق دارند. حمیدرضا نارنجی‌نژاد، عضو هیأت مؤسس انجمن سنگلج می‌گوید: «گذر فیلیخانه در ابتدای بازارچه قوام‌الدوله قدیم و شهید ترخانی امروزی

دنبال صدای پای آب و آفروش‌ها



■ موضوع: کارکرد قنات و آب‌انبارهای سنگرچ

■ ویژگی: دومین آب‌انبار بزرگ تهران

آبرسانی در محله سنگلج داستان جالبی دارد. در بخش شمالی محله سنگلج چشمه آبی می‌جوشید که آب شرب تمام محله را بیش و کم از طریق تعدادی نهر تأمین می‌کرد؛ به همین خاطر این محله به نام «آب‌پخش کن» شهرت پیدا کرد. محمود منبعی، تهران‌پژوه می‌گوید: «به‌گفته محسن معتمدی، تهران‌شناس برجسته تهران، یکی از منابع قدیمی آب طهران عتیق، سرآب پخش کن، در شمال محله سنگلج بود که از نهر یا مظهر قنات سرچشمه می‌گرفت و از سنگلج به طرف جنوب شهر که محله دباغخانه در آنجا قرار داشت، جریان می‌یافت. از این آب برای مصرف دباغی یعنی شستن پوست برای تولید کفش و پوستین استفاده می‌کردند. شغل دباغی به آب فراوان نیاز داشت و بوی نامطبوعی هم می‌پراکند؛ به همین دلیل محله دباغخانه در پایین شهر و در دورافتاده‌ترین نقطه قرار داشت. آب دباغخانه به هیچ‌وجه مصرف آشامیدنی نداشت و از این آب برای آبیاری باغ‌ها و مزارع اطراف استفاده می‌شد.»

نارنجی‌نژاد، از اهالی قدیمی محل درباره این آب‌انبار می‌گوید: «بدرم تعریف می‌کرد که ظرف مسی برمی‌داشتند و همراه برادرش به باغ معیرالممالک می‌رفتند تا از آب‌انبار آنجا برای خانه آب بردارند. بعد از مدتی که دست و بال‌اهالی بازتر شد، ساکنان برای خودشان در خانه آب‌انبار اختصاصی درست می‌کردند.» همچنین مسیر دیگر آب، به سمت در خونگاه جریان داشت و محله شرقی سنگلج را سیراب می‌کرد. در حال در سراسر محله سنگلج، آبرسانی به خانه‌ها، باغ‌ها و گورستان‌ها در چند مسیر برقرار بود.

منبعی درباره قنات‌های حفر شده توسط خیران در این محله می‌گوید: «در محله سنگلج قنات‌هایی توسط اعیان یا نیکوکاران ایجاد شد که ۳ قنات شهر بیشتری داشت؛ قنات مستوفی الممالک (قنات حسن‌آباد)، قنات نجف‌آباد (از رشته‌قنات‌های حفر شده در دوران ناصرالدین‌شاه) و قنات میرزایحیی وزیر (قنات وزیر). مسجد چال حصار (اردبیلی‌ها) نیز آب‌انباری قدیمی داشت. علاوه بر آب‌انبارهای شخصی، خیران و اشراف آب‌انبارهای وقفی بنا می‌کردند تا تهیدستان و طبقات متوسط هم که آب قنات از سکونتگاه‌شان عبور نمی‌کرد از آن استفاده کنند.» معیر (بانی مسجد نظام‌الدوله معیرالممالک در کوچه معیر)، حاج رجبعلی (جنب مسجد حاج رجبعلی)، میرزا موسی مستوفی (چال حصار)، حاج محمد کریم، حاج نعمت‌الله، سیدآقا، صمد صابونی و بازار از مهم‌ترین آب‌انبارهای محله سنگلج بودند. در آن دوران آب‌انبار معیر، دومین آب‌انبار بزرگ تهران بود.